محمد المصطفی

من اعرض عن محرم ابدله الله به عبادة تسره

هر کس از حرام دوری کند، خداوند به جای آن عبادتی که او را شاد کند نصیبش می‌گرداند.

فرهنگ‌نامه

فضیلت زیارت اربعین

درباره فضیلت زیارت اربعین، تنها یک روایت وجود دارد که توسط شیخ مفید در کتاب المزار آمده و به صورت مرسل، از امام حسن عسکری نقل شده است. طبق این روایت، زیارت اربعین، یکی از نشانه‌های پنج‌گانه مؤمن (شیعه) است. نکتهٔ حائز اهمیت در این روایت، این است که از بین تمامی زیارت های مخصوصهٔ امام حسین (ع) تنها زیارتی که علامت و نشانهٔ شیعه معرفی شده، زیارت اربعین است. این مطلب، گویای آن است که حیات تشیع، در گرو زیارت اربعین سیدالشهدا (ع) است.

تازه‌های نشر

کتاب «مدل‌های اخلاق کاربردی؛ پژوهشی روش‌شناختی» منتشر شد

«مدل‌های اخلاق کاربردی؛ پژوهشی روش‌شناختی» اثر حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی اسلامی در ۴۳۰ صفحه به چاپ رسید.

به گزارش رواق به نقل از روابط عمومی نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، این کتاب که به همت پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه شده، در زمینه مدل‌های مواجهه با نظریه‌های اخلاقی به هنگام چالش این نظریه‌ها با معضلات و دوراهی‌های اخلاقی است.

نویسنده در مقدمه این اثر آورده است: در این اثر به دنبال آن هستیم دریابیم روش‌های مطرح در اخلاق کاربردی معاصر با چه نقدهایی روبه‌رو هستند و در این میان بر مبنای فرهنگ بومی اسلامی ما، روش صحیحی که در سطح جهانی قابل عرضه باشد کدام است؟ رهیافت انتقادی ما در این پژوهش، رهیافتی اسلامی است که از تجربه تاریخی عالمان مسلمان هم در شناسایی منابع فهم دینی و هم در روش به‌کارگیری این منابع بهره می‌جوید.

در بخشی از این اثر با عنوان «برخورد شایسته اخلاقی با جسد مردگان» می‌خوانیم:

پیکر بی‌جان مردگان اگر به حال خود رها شود، علاوه بر اینکه عقل اخلاقی انسان حکم می‌کند این رفتار احترام‌آمیز نیست، پس از مدتی بر اثر فعل و انفعالات شیمیایی فاسد می‌شود و موجبات ناراحتی، بیماری و آزار انسان‌های زنده را فراهم می‌آورد. پس باید اقدامی کرد؛ ولی پرسش این است چه اقدامی از نظر اخلاقی صحیح و درست است؟

پاسخ به نحوی کلی روشن است: اقدامی درست است که هم بی‌احترامی به جسد نباشد و هم موجب ناراحتی زندگان نشود. هر چند همین پاسخ هم با ارجاع به عاقله مشترک انسانی بدست آمده است، پرسش مهم‌تر پرسش محتوایی و عینی است: مشخصاً چه باید کرد؟ باید جسد را تناول کرد یا آن را سوزاند یا به دریا سپرد؟

قرآن کریم پاسخ را به عقل مشترک انسانی واگذار کرده است، آنجا که ماجرای درگیری دو پسر آدم یعنی هابیل و قابیل را بیان می‌کند: «آن‌گاه که قربانی یکی پذیرفته و آنِ دیگر رد می‌شود، دیگری [قابیل] که قربانی‌اش رد شد، بر برادرش خشم گرفت و به او گفت: حتماً تو را خواهم کشت. پس نفس [اماره] وی او را به قتل برادرش ترغیب کرد و وی را کشت و از زیانکاران شد. پس خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند. [قابیل گفت: وای بر من، آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟ پس از [زمره] پشیمانان شد».

خداوند برای اثبات رفتار صحیح اخلاقی در برخورد با پیکر مردگان به مشاهده صحنه درگیری دو زاغ که یکی، دیگری را می‌کشد و جسد او را در خاک پنهان می‌کند، اکتفا کرده است. این نشان آن است که در استدلال اخلاقی نیازی به چیدن مقدمات برهانی نداریم و برانگیختن فاطمه اخلاقی انسان کافی است.

نکته‌ها

آیت‌الله مرتضی تهرانی

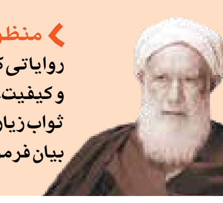

منظور از «معرفت به حق امام(ع)» در زیارت چیست؟

روایاتی که در باب ثواب زیارت امام رضا(ع) وارد شده از نظر کمیت و کیفیت، مختلف است. از نظر کمیت در بعضی روایات، معصوم(ع) ثواب زیارت آن حضرت را برابر با ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول بیان فرموده است. در روایت دیگر وقتی از معصوم(ع) سؤال می‌شود، با همین مضمون جواب می‌دهند و شخص سؤال‌کننده با تعجب می‌پرسد ثواب زیارت ایشان برابر با ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول حق تعالی است؟ آن حضرت جواب می‌دهد: ثواب زیارت آقا علی بن موسی‌الرضا(ع) برابر با یک میلیون حج و یک میلیون عمره مقبول است.

گروهی از روایات، اجر و ثواب زیارت این بزرگوار را بدون قید و گروه دیگر با این قید ذکر می‌کند که زائر، عارف و آگاه به حق او باشد. در گروه اول فقط تعبیر زیارت آمده ولی در گروه دوم، زیارت همراه با شناخت و معرفت ذکر شده است. علمای اصول، روایات مطلق را بر روایات مقید حمل کرده‌اند. با این روش، این اختلاف از بین می‌رود، یعنی مطلق، حمل بر مقید می‌شود. بنابراین، زیارت هنگامی موجب رسیدن به آن ثواب فراوان است که همراه با معرفت و شناخت این بزرگواران باشد. از معصوم(ع) سؤال کردند اینکه شما می‌فرمایید هر کس یکی از ما خاندان را زیارت کند، در حالی که عارف و آگاه به حق آن مزور باشد ثوابش چنین و چنان است، منظور از معرفت به حق این بزرگواران چیست؟ ایشان در جواب فرمودند: کمترین مقداری که می‌تواند مصداق «عارفاً بحقه» باشد، این است که آن بزرگوار را «مفترض الطاعه» بداند. من عین عبارت روایت را نقل می‌کنم، نقل به معنا هم نکردم. «مفترض الطاعه» یعنی وقتی خودش را در محضر علی بن موسی‌الرضا(ع) می‌بیند، اطاعت و پیروی از آن بزرگوار را بر خود واجب بداند.

کسی می‌تواند این گونه زیارت را در برابر آن بزرگوار داشته باشد که از خواسته آن بزرگواران آگاه باشد؛ اینکه ایشان از زائران و دوستان خود چه خواسته‌اند. اگر انسان از اوامر و فرامین و مشی و طرز حرکت عملی آن‌ها در مسیر دینداری یا در مسیر توحید و خداشناسی (که بخش اول توحید عملی و بخش دوم توحید نظری است) آگاه نباشد عارف به حق آن بزرگواران نیست. با این معیار، شمار زائران واقعی بسیار کم خواهد بود. در روایتی حضرت صادق(ع) می‌فرماید: زیارت علی بن موسی‌الرضا(ع) اجر بیشتری نسبت به زیارت اباعبدالله‌الحسین(ع) دارد، چون فرزند فرزندم غریب است و زائران او کم هستند.

مراجع

آیت‌الله وحید خراسانی در پیامی به زائران ایرانی توصیه کرد

شرکت در زیارت اربعین به نیابت از امام هشتم علیه‌السلام

آیت‌الله حسین وحید خراسانی، از مراجع عظام تقلید با صدور پیامی، توصیه‌هایی به شرکت‌کنندگان پیاده‌روی اربعین حسینی بیان کرد. به گزارش رسا در متن این پیام آمده است:

زوار قبر سیدالشهدا(ع) اگر بدانند کجا می‌روند و به زیارت چه کسی مشرف می‌شوند، در این سفر سر از پا نمی‌شناسند.

جایی که می‌روند و مقصد آنان در این سفر، به بیان کسی که کلام او به منزله کلام خداست چون حجت بالغه الهیه است، عرش خداست و آنچه برای ایشان در این مقصد منتهای مطلب است، آن است که آنان زوار خدایند (...ما لمن زار قبر الحسین علیه‌السلام؟ قال: کان کمن زار الله فی عرشه...).

حدیث صحیح که عقل را مبهوت می‌کند، این است: «عن ابن محبوب، عن اسحاق بن عمار، قال: سمعت أباعبدالله علیه‌السلام یقول: لیس نبیّ فی السموات والأرض إلا ویسألون الله تبارک وتعالی أن یؤذن لهم فی زیاره الحسین علیه‌السلام ففوج ینزل ففوج یعرج».

هیچ پیغمبری نیست یعنی از آن آدمی که شد صفی‌الله و مسجود تمام ملائکه‌الله و آن نوحی که ۹۵۰ سال مردم را به خدا دعوت کرد و شد نجی‌الله و آن ابراهیمی که خدا او را مبتلا کرد به کلمات و پس از تمام آن کلمات از نبوت و رسالت و خلت گذشت و به مقام امامت رسید و آن موسایی که خدا درباره او فرمود: وناديناه من جانب الطور الأيمن وقربناه نجيا، و شد کلیم‌الله و آن عیسایی که از دم روح‌القدس به وجود آمد و شد کلمه‌الله و روح‌الله، همه اینان مسئلتشان از خداوند تبارک و تعالی این است که به آنان اذن دهد به زیارت قبر حسین بن علی(ع) مشرف شوند.

در آن بقعه چه غوغاست که مطاف تمام انبیا و اولوالعزم از فرستادگان خداست؟ فوجی از آسمان به زمین نازل و فوجی از زمین به آسمان صاعد و آن فوج، مرکب از ملائکه مقربین و انبیا و مرسلین است و تا قیامت امر بر این منوال است.

خوشا به حال کسانی که قدر این نعمت را بدانند و بعد از این سفر که از هر گناهی پاکیزه می‌شوند، مراقب باشند خود را آلوده نکرده و خدا و امام زمان(عج) را هرگز فراموش نکنند.

و هر ماهی یک ختم قرآن کنند و به روح رسول خدا(ص) تا امام زمان(عج) نثار کنند و همه قرآنی را که در دوره سال برای چهارده معصوم قرائت کردند، به حضرت ولی عصر صاحب العصر والزمان(عج) هدیه دهند که این عمل، آنان را با امام زمان(عج) محشور خواهد کرد و کسی که با او باشد با تمام انبیا و اوصیاست.

سزاوار است کسانی که از ایران مشرف می‌شوند، به نیابت امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع) بروند و کسانی که از بلاد دیگر به آن حرم شرفیاب می‌شوند، به نیابت سایر معصومین(ع) مشرف شوند و در این سفر پر برکت چون نایب آن مقام رفیع هستند، نظر عنایت حضرت سیدالشهدا(ع) به آن نایبان به رعایت منوب عنه آنان موجب سعادت دنیا و عقبی است.

امید است زائران محترم و مواکب خدوم همه با هم صبح روز اربعین با قرائت دعای فرج برای تعجیل فرج آن حضرت و رفع گرفتاری از مسلمانان دعا کنند که از مهم‌ترین موارد اجابت دعا، دعای دسته‌جمعی است. ان‌شاءالله.

چرا احیا و بازتولید سنت تاریخی هیئت‌های کوچک ضرورت دارد؟

جامعه‌شناسی خودمانی روضه‌های خانگی

امیر سعادتی | دهه اول محرم امسال بیشتر از آنکه شرکت در جلسات هیئت‌های شاخص با سخنرانان سرشناس و مداحان حرفه‌ای روزی‌ام شود، توفیق حضور در چند روضه خانگی نصیبم شد. یکی از آن‌ها روضه خانگی مداومی بود که صبح زود برپا شده و با صبحانه‌ای ساده ختم می‌شد. پس از آن هم به سر کار می‌رفتم. همین قضیه سبب شد درباره ضرورت احیا و بازتولید این سنت تاریخی و مبارک یعنی «روضه‌های خانگی» تأمل کرده و نکاتی را قلمی کنم.

■ مینیاتوری از یک پدیده کلان

هر پدیده فراگیر و تاریخ‌مند اجتماعی برای ادامه حیات علاوه بر اجرای توده‌ای به مدل مینیاتوری خودش نیز نیاز دارد. در این نوع پدیده‌ها ابعاد خُرد و کلان باید به صورت توأمان حضور داشته باشند و اتفاقاً این بعد کلان است که از مدل سلولی و کوچک خود ارتزاق می‌کند. از این منظر هیئت‌های بزرگ وابسته به روضه‌های کوچک خانگی هستند و با غفلت از سنت حسنه روضه‌های خانگی، فرهنگ عزاداری در ابعاد کلان نیز آسیب دیده و متضرر می‌شود. بلاتشبیه و فقط از باب تقریب ذهن همچون فوتبال حرفه‌ای چمنی و استادیومی که وابسته به فوتبال زمین‌های خاکی، سالنی و گل کوچک محلات است.

■ تقویت هویت محلی

از نیم قرن گذشته تا به امروز ترکیب جمعیتی روستایی به شهری ایران از نسبت ۷۰ به ۳۰ کاملاً برعکس شده و هم اکنون تقریباً سه‌چهارم ایرانیان شهرنشین شده‌اند. شهرهای امروزی هم دیگر شکل شهرهای قدیمی نیستند. زندگی سریع ماشینی و تراکم جمعیتی شهرهای بزرگ، به خانه‌سازی عمودی دامن زده است. توسعه فرهنگ آپارتمان‌نشینی سنت همسایه‌داری پدران و مادران ما را کمرنگ کرده است. پاتوق‌هایی مانند حمام‌های عمومی و بازارچه‌های محلی تقریباً از بین رفته‌اند و فرصت گفت‌وگو و ملاقات آدم‌های ساکن در یک بافت مسکونی را کمتر و کمتر کرده است. مجموع این عوامل سبب شده حس تعلق به مکان زندگی و مفهومی به نام «هویت محلی» تضعیف شود. درچنین شرایطی احیای سنت روضه‌های خانگی به عنوان یک پاتوق محلی جدید حتی در مدل آپارتمانی‌اش، می‌تواند بسیاری از این گسل‌های اجتماعی را پوشش داده و یا ترمیم کند.

■ اصالت دادن به خانواده

اسلام نهاد خانواده را سلول اولیه تشکیل جامعه دانسته است. روح فرهنگ اسلامی با فردگرایی لیبرالی موجود و تنهایی افسار گسیخته مدرن به‌شدت در تضاد است و با آن مبارزه می‌کند. این مکتب به نهاد خانواده اهمیتی در حد قداست داده و با نگاهی اصیل به فطرت آدمی، علاقه‌مند است مهم‌ترین نیازهای مادی و معنوی بشر در خیمه و پوشش این نهاد قدسی تأمین شود، تا جایی که برآورده کردن نیاز معیشتی اهل و عیال را برابر با جهاد برشمرده است.

حفظ نهاد خانواده به اندازه تشکیل آن برای اسلام مهم است. ازاین رو در جای جای قرآن کریم سفارش احسان و احترام به والدین (دو فرد اصلی تشکیل دهنده نهاد خانواده) توسط فرزندان، بلافاصله پس از توحید مطرح شده است: «لاتعبدون الا الله و بالوالدین احسانا» (بقره،۸۳). در سنت روضه‌خانگی با اقامه عزا در خیمه خانواده نوعی احترام و اصالت دادن به این نهاد به عنوان سلول اصلی جامعه دیده می‌شود.

محدثه زارع - ایرنا

روضه خانگی در واقع با ترکیب دو نهاد مقدس یعنی «خانه» و «حسینیه» قدرت معنازایی و معنویت بیشتری به هر دو جزء این ترکیب می‌دهد.

■ تداوم سالانه و تاریخی

هدف هیئت حسینی (با ترکیبی از منبر و روضه) افزایش همزمان معرفت و محبت به مکتب اهل بیت(ع) با همه ابعاد اجتماعی و عرفانی آن است. در شرایطی که نمی‌توانیم هیئتی را در ابعاد کلان و با مخاطب انبوه اجرا کنیم، نباید از مدل‌های کوچک آن غفلت کرد. لجستیک سنگین و تدارکات زیاد، پیش‌نیاز برگزاری مراسم پرجمعیت است. همین نکته، اجرای مداوم روضه‌های هیئت‌های بزرگ‌مقیاس را در طول سال سخت می‌کند. این سختی اجرا در طول سال، در بلندمدت نیز برای تداوم تاریخی این پدیده بابرکت مشکل‌ساز می‌شود. اما رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود. روضه‌های خانگی متعددی در شهرهای مختلف کشور با قدمت یک قرن (و بیشتر) به حیات خود ادامه می‌دهند که خود می‌توانند موضوع پژوهش مفصلی قرار گیرند. فراموش نکنیم در ابتدای قرن گذشته خورشیدی و با اجرای پروژه استعماری دین‌زدایی پهلوی اول (که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن منع عزاداری و روضه اباعبدالله(ع) بود) مردم با کمک و ابزار همین روضه‌های زیرزمینی و خانگی به مقابله با این سیاست رضاخانی پرداختند.

البته خوره و آفت مهم عنصر تداوم تاریخی در هیئت‌های بزرگ، تأثیرپذیری منفی از سیاست‌های حزبی و جناحی است. اگر به این موضوع در هیئت‌های مشهور و بزرگ دقت نشود موجب دودستگی می‌شود. اختلاف و انشعاب هم دشمن «تداوم تاریخی» پدیده‌های اجتماعی هستند.

■ مشارکت بیشتر بانوان

هیئت‌های بزرگ اغلب توسط مردان جوان اداره می‌شوند و نوعی مردسالاری در مدیریت آن‌ها مشهود است. البته بیشتر آن‌ها واحد خواهران دارند ولی به خاطر جنس فعالیت، ناگزیر کارهای اصلی بر دوش مردان است. اما اجرای روضه‌های خانگی معمولاً توسط عده‌ای از محارم و اعضای یک خانواده صورت می‌گیرد. روضه‌های خانگی از این منظر با تسهیل مشارکت بیشتر بانوان، توزیع جنسیتی متناسب و متوازن‌تری دارند. از طرفی طولانی بودن مراسم، ازدحام و شلوغی برنامه، دسترسی سخت و نیاز به جابه‌جایی طولانی به‌خصوص در ترافیک شهرهای بزرگ، شرکت در هیئت‌های پرجمعیت را برای عده‌ای از جمله سالمندان، مریض احوالان، مادران و کودکان طاقت‌فرسا می‌کند و معمولاً این اقشار از حضور در اجتماعات این‌گونه و بهره‌مندی از یک «روضه زنده» محروم می‌شوند. دسترسی آسان به روضه خانگی علاوه بر مشارکت بیشتر بانوان، امکان حضور اقشاری از جمله سالمندان، مادران و خردسالان را فراهم می‌کند.

■ توسعه ارتباطات خویشاوندی طولی و عرضی

با تأخیر امر ازدواج به خاطر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و دو دهه ترویج فرهنگ تک‌فرزندی، شاهد کاهش بُعد خانوار و لاغر شدن خانواده ایرانی هستیم. از طرفی فردگرایی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید و مجازی شدن بیش از حد ارتباطات میان‌فردی، سبب سست شدن پیوند میان اعضای خانواده شده است. یعنی همزمان دو خطر «کوچک» و «گسسته» شدن، خانواده ایرانی را تهدید می‌کند؛ مانند طنابی که توأمان در حال نازک و سست شدن است.

در فرهنگ ایرانی «دید و بازدید» یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی است که در ادبیات دینی با اصطلاح «صله رحم» از آن یاد می‌شود. در فرهنگ اسلامی نیز احادیث بسیاری از معصومین(ع) در اهمیت مادی و معنوی و تأثیرات اجتماعی و روان‌شناسانه «صله رحم» ذکر شده است. خوشبختانه عقل و تجربه هم این روایات را تأیید می‌کنند. یکی از کارکردهای اجتماعی روضه‌های خانگی با توجه به نحوه اداره خانوادگی و خویشاوندی آن می‌تواند تقویت «صله رحم» باشد. روضه‌های خانگی فرصت و بهانه‌ای برای دیدار با اقوام و آشنایان است.

اگر از ارتباطات میان اعضای هم‌عصر یک خانواده به «صله رحم عرضی» تعبیر کنیم، می‌توان ارتباطات بین چند نسل از اعضای یک خانواده را «صله رحم طولی» عنوان کرد. گاهی اوقات زنجیره‌ای از سه نسلِ اعضای یک خاندان (مثلاً پدربزرگ، پدر و نوه) به طور همزمان در برپایی یک روضه خانگی حضور دارند. از این منظر روضه‌های خانگی می‌توانند سبب توسعه ارتباطات بین‌نسلی و مرهمی بر پدیده شکاف نسل‌ها نیز باشند.

■ زیباشناسی روضه‌های خانگی

مثل همه اجراهای خانگی در فرهنگ عمومی ایرانی‌ها؛ از آشپزی خانگی (در مقایسه با غذای رستورانی) گرفته تا قالی دستباف (در مقابل فرش ماشینی) روضه خانگی هم ریزبافتی دارد که به آن ویژگی، شخصیت و زیباشناسی خاص خودش را می‌دهد. امری که بیشتر متأثر از صبر، حوصله و سلیقه زن ایرانی است. همچنین روضه‌های خانگی اغلب پایه تعاونی‌های سنتی و صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی بیشتر با محوریت زنان قرار می‌گیرند که خود نشانی از روحیه یاری‌گری و مشارکت‌جوی فرهنگ ایرانی است.

خلاصه اینکه خودتان را از عطر و طعم چای مادر دم‌کنِ روضه‌های خانگی محروم نکنید.

www. qudsonline.ir

دیدگاه

محمدعلی مجاهدی مطرح کرد

۲ گام پیامبر ﷺ برای مبارزه با شعر جاهلی

محمدعلی مجاهدی، شاعر آیینی کشور گفت: پیراستن اشعار از محتوای غیراخلاقی و تنزیه حریم قرآن از شعر، دو گام پیامبر برای مبارزه با شعر جاهلی بود.

به گزارش ایکنا، محمدعلی مجاهدی، شاعر آیینی پیشکسوت کشور، ۱۴ شهریور در نشست علمی «بازتاب قرائت‌های مختلف فرهنگی در شعر عاشورا» که از سوی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام خمینی(ره) برگزار شد، با بیان اینکه برای ورود به قلمرو شعر آیینی باید از آنچه در عصر جاهلی و پس از عصر اسلام گذشته اطلاع داشته باشیم، گفت: هنگام بعثت و نزول تدریجی قرآن فرهنگ غالب عصر جاهلی در تعصبات شدید قومی و مفاخرات واهی قبیله‌ای ریشه داشت و شعر آن دوره سرشار از لذت‌طلبی، کامجویی و خرافه بود و شعر عصر جاهلی بر معلقات سبع می‌بالید.

مجاهدی بیان کرد: در چنین شرایطی، شاعران عصر جاهلی خود را در برابر آیات وحی و منزل الهی دیدند که از ساختار ممتاز لفظی و غنای محتوایی کاملاً متمایزی برخوردار بود، ولی طرز تلقی آن‌ها از کلام الهی، مخیل بودن را در ذهنشان تداعی می‌کرد، زیرا عنصر خیال از دیرباز به عنوان مهم‌ترین عنصر در شعر شناخته می‌شود. پیامبر(ص) با آگاهی کامل از پیامدهای شومی که این طرز تلقی به همراه داشت به رویارویی آن‌ها رفت، زیرا قرآن کریم به عنوان کتاب رسالت و کتابی جاودان تا قیامت وجود عنصر خیال را که در وهم و خیال انسان ریشه دارد، برنمی‌تافت.

این استاد شعر آیینی با بیان اینکه قرآن به‌تدریج شبه‌فرهنگ شعر جاهلی را از اذهان حذف کرد و معیارهای اصیل الهی در جامعه خرافی آن دوره حاکم شد، اضافه کرد: پیامبر به منظور حذف ضد ارزش‌ها و پاسداری از حریم وحی و ارضای نیاز هنری و عاطفی جامعه اسلامی به شعر ارزشی اهمیت داد. مبارزه پیامبر(ص) با شعر جاهلی در دو گام بود؛ نخست حرکت اصلی که از زمان نزول سه آیه پایانی سوره شعرا آغاز شد و تا پایان حیات ایشان تداوم یافت: «وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ؛ و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند»؛ «أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ؛ آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی‌ای سرگردانند»، «وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ». ابن ابی‌شبیه روایت کرده روزی در مسیر با رسول‌الله حرکت می‌کردیم؛ ناگهان شاعری پیدا شد و اشعار ضدارزشی و سرشار از بی‌ادبی خواند. پیامبر(ص) پس از شنیدن اشعار فرمودند: اگر شکم انسان را از چرک و کثافت پر کنند، بهتر از این است که از این اشعار ضداخلاقی پر شود.

■ حرکت تنزیهی پیامبر(ص) درباره شعر ارزشی

مجاهدی بیان کرد: گام دیگر پیامبر(ص) تنزیهی و آن، پیراستن حریم قرآن از شعر و شاعر بود. این حرکت مبتنی بر مفاد این دو آیه است: «و ما علمناه الشعر و ما ینبغی»؛ ما به رسول خدا شعر نیاموخته‌ایم و شاعری در شأن او نیست. «لینذر من کان حیا و یحق القول»؛ هدف عمده در این حرکت تأکید بر اتصال مقام نبوت و کتاب آسمانی قرآن به کانون وحی و ورود نشدن شعر به حریم آن دو بود. روزی پیامبر(ص) به بیتی از معلقه طرفة بن عین رسید: «ستبدی لک الایام ما کنت جاهلا و یاتیک من لم تزودوا...»؛ تغییراتی در آن ایجاد کردند یا با تغییر در اشعارِ برخی افراد دیگر هم با شعرهای ضدارزشی مبارزه کردند.

مجاهدی اظهار کرد: پس از نزول سوره شعرا و مذمت برخی اشعار، جمعی از صحابه پیامبر(ص) به‌شدت آزرده‌خاطر شدند. ابوالحسن سالم روایت کرده: کعب بن مالک و حسان بن ثابت گریان به محضر شتافتند و گفتند آیا ما هم جزو هلاک‌شدگان شاعرِ هستیم؟ در این زمان آیات دیگری نازل شد: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.» در روایات منقول از صادقین(ع) به همین استثنای قرآنی اشاره شده و شاعران آیینی و متعهد دوران پیامبر(ص) و ائمه(ع) در مسیر پیمودن شعر ارزشی تردیدی به خود راه ندادند و مورد عنایت آن بزرگواران هم قرار گرفتند.

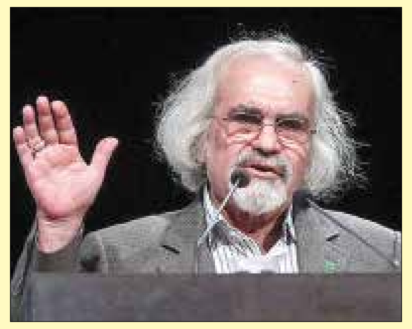

■ دستور پیامبر(ص) به هجو شاعران ضد ارزشی

وی اضافه کرد: حسن کاشی آملی، از شاعران پرآوازه در قصیده‌ای به این استثنای قرآنی استناد و صفت غاوی بودن را از شاعرانی چون خود سلب کرده است. البته قرآن شاعران را غاوی نخوانده، بلکه برخی از پیروان آن‌ها را به این صفت توصیف فرموده است. در خبر بیان شده وقتی برخی شاعران هجوسرا قصد داشتند مقام رسالت را مخدوش کنند، آن حضرت رو به اصحاب کردند و فرمودند: کسانی که رسول خدا را با شمشیرهای خود یاری کردند و او را با زبان خود هم یاری کنند و بعد با درخواست برخی از شاعران، آن حضرت دستور دادند کسانی چون حسان بن ثابت به هجو شاعران مشرک بپردازند.

مجاهدی تصریح کرد: در روایت دیگری بیان شده رسول‌الله به حسان گفت: مشرکان را هجو کن. سوگند به خدا که این هجو برای آن‌ها از تحمل زهر تیر سخت‌تر است. این روایت در تفسیر منهج‌الصادقین بیان شده است. مؤلف مجمع‌البیان از زهری و کعب بن مالک نقل کرده که حضرت فرمودند: مؤمن تنها با شمشیر جهاد نمی‌کند و زبان او هم در حکم شمشیر است و مطمئن باشید شما شاعران با شعرهای خود جهاد می‌کنید. نقل است روزی کعب بن مالک قصد سرودن شعری در مدح پیامبر(ص) داشت، ولی ازدحام جمعیت اجازه نمی‌داد. در این هنگام رسول‌الله با دست مبارک، حاضران را به سکوت فراخواندند و سپس به کعب گفتند شعرت را بخوان؛ این نشانه اهمیت دادن به شاعران آیینی است.

■ جایگاه شاعران اهل بیت(ع) در روایات

این شاعر آیینی پیشکسوت در ادامه گفت: البته حسان بن ثابت که در زمان رسول‌الله(ص) جزو مدیحه‌سرایان و شاعران ارزشمند بود در دوره امام علی(ع) با ایشان بیعت نکرد و در نهایت به امویان پیوست و با معاویه حشرونشر داشت؛ این بغضی بود که علی(ع) در گلو داشت و حالا می‌فهمیم چرا امام(ع) باید به همراه همسرش در خانه اصحاب را بزند و برای جانشینی خود و روز غدیر به دنبال شاهد باشد.

وی با بیان اینکه حسان بدعاقبت شد افزود: در وصف حسان نوشته‌اند روزی پیامبر(ص) در سرزمین منا، در حالی که به علی(ع) اشاره می‌کرد، فرمودند: «هذا علی بن ابیطالب سیدالعرب و وصی الاکبر و أنتَ مِنّی بِمَنزلةِ هارونَ مِنْ مُوسی، اِلّا أنّه لانَبیّ بَعدی»؛ ای مسلمین، علی(ع) بزرگ عرب و جانشین برتر و منزلت او در نزد من همانند هارون نسبت به موسی است، مگر اینکه پس از من پیامبری نیاید. توبه هیچ توبه‌کننده‌ای پذیرفته نمی‌شود مگر به برکت محبت او و بعد رو به حسان کرد و فرمود در این باره شعری بگو و او هم شعری سرود، ولی بعد حسان با امام(ع) بیعت نکرد.

مجاهدی افزود: از امام صادق(ع) روایت شده: کسی درباره ما شعری نمی‌سراید مگر اینکه مؤید به دم روح‌القدس و جبرئیل باشد. در بحار بیان شده: مؤمنی (کسی که ولایت علی(ع) را می‌پذیرد) درباره امام شعر نمی‌گوید و به مدح اهل بیت(ع) نمی‌پردازد، مگر اینکه خداوند در بهشت شهری را برای او بنا کند که هفت بار از دنیا وسیع‌تر است و انبیا و اولیا او را در آنجا زیارت می‌کنند. در مورد امام حسین(ع) گفته شده: هیچ کسی شعری برای امام حسین(ع) نمی‌سراید و با آن نمی‌گرید و کسی را نمی‌گریاند مگر آنکه خدا بهشت را برای او واجب گرداند و گناهانش را بیامرزد. امام رضا(ع) به دعبل فرمودند: ای دعبل، برای حسین(ع) مرثیه‌سرایی کن و تا می‌توانی در مرثیه ما کوتاهی مکن.

نیم نگاه

«ضرب‌المثل‌های عاشورایی» در زبان فارسی

اینکه واقعه کربلا و قیام عاشورا در زبان فارسی ریشه ضرب‌المثل‌های فراوان باشد عجیب نیست؛ حسین(ع) «جان و جهان» ایران است و نام و یادش بر دل و زبان ایرانی‌هاست و چقدر هم لطیف‌اند و ریزبین و حق‌گو این ضرب‌المثل‌ها.

به گزارش فارس، کربلا که خودش یک فرهنگ است و عاشورا که خودش فرهنگ‌ساز است به زبان زندگی روزمره و به حوزه فصاحت و بلاغت و مفاهمه کلامی ایرانیان نیز نفوذ کرده و ریشه ضرب‌المثل‌هایی شده که برخی هنوز پرتکرارند و برخی دیگر کمتر استفاده می‌شوند. برخی از این ضرب‌المثل‌ها را در ادامه مرور کنیم.

دنیایش مثل آخرت یزید است: این مَثَل درباره کسی به کار می‌رود که در زندگی با سختی‌ها و مشکلات فراوان روبه‌رو باشد.

شمر جلودارش نیست: این مَثَل درباره کسی به کار می‌رود که انتقام‌جویی و کینه‌ورزی می‌کند.

آب افتاده دست یزید: درباره فردی به کار می‌رود که کالایی ضروری را از دیگران دریغ می‌کند یا کنایه از شرایطی است که افرادی سختگیر بر دیگران حاکم شده یا رشته امور را به دست گرفته باشند.

آب به امام نمی‌دهد و آتش به یزید: درباره فرد خسیس به کار می‌رود و یعنی نه عشق به امام حسین(ع) و نه نفرت از یزید موجب نمی‌شود به انفاق بپردازد.

هم طبّال یزید است هم علمدار امام حسین(ع): طبال یعنی طبل‌زن. این مَثَل درباره آدم ریاکار به کار می‌رود.

آش یزید را می‌خورد و برای امام حسین(ع) سینه می‌زند: این مَثَل درباره آدم ریاکار و منافق و کسی که ظاهر و باطنش یکی نیست به کار می‌رود. معادل این مَثَل است: «نماز علی(ع) را می‌خواند و پلوی معاویه را می‌خورد».

پسر طوعه است: درباره افراد خیانتکار استفاده می‌شود. طوعه بانویی بود که مسلم بن عقیل(ع) را در خانه‌اش پناه داد ولی پسرش به طمع پاداش، آن حضرت را تحویل دشمنان داد.

نقاره‌چی یزید است: وقتی کسی از ظالم حمایت کند درباره‌اش این مَثَل را می‌گویند.

نخودی در آش امام حسین(ع) انداختن: وقتی می‌خواهند کسی را به کار خیر دعوت کنند یا در کاری به کمک بطلبند به او می‌گویند شما هم نخودی در آش امام حسین(ع) بینداز.

خنجر شمر در خانه اوست: درباره افراد سنگدل و کینه‌جو به کار می‌رود و همچنین درباره آدم فرصت‌طلب.

پولش سکه یزید دارد: یعنی پولش بی‌ارزش است و همچنین درباره کسی به کار می‌رود که با پولش کارهای بی‌ارزش می‌کند یا نمی‌تواند با پول به آنچه نیاز دارد، برسد.

هر بار پای عَلَم یکی سینه می‌زند: درباره آدم ریاکار به کار می‌رود و کسی که مدام نظرش را عوض می‌کند و همچنین افراد منفعت‌طلب.

آنچنان که حق به جانب یزید است: درباره نادانی و جهل دوستان است که مایه زیان می‌شود و به این حکایت اشاره دارد: «از کسی پرسیدند در فلان شهر روضه‌الشهدا می‌خوانند؟ گفت: آری، اما آنچنان که حق به جانب یزید است».

طوق به پا شده است: در گذشته طوق نوعی علم عزا بود که هنگام سوگواری آن را بلند می‌کردند و عزاداران دور آن جمع می‌شدند. این مَثَل وقتی به کار می‌رود که عده زیادی در جایی جمع شده باشند.

حسین(ع) را تا جایی دوست دارد که رگ نَبُرَد: این مَثَل درباره افرادی به کار می‌رود که وقتی انجام کار درست برایشان زحمت ایجاد می‌کند یا وقتی هزینه انجام کار درست زیاد می‌شود از آن دست می‌کشند.

موکل آب فرات است: درباره افراد بی‌رحم به کار می‌رود که در کارشان انعطاف و مروت ندارند و به بی‌رحمی سربازانی اشاره دارد که در واقعه کربلا مأمور بستن آب بر یاران امام حسین(ع) بودند.

فاطمة الزهراء

ازهد الناس من ترك الحرام اشد الناس اجتهادا من ترك الذنوب

زاهدترین مردم کسی است که حرام را وانهد، کوشاترین مردم تارک گناهان است.

فرهنگ‌نامه

موکب

موکب - که جمع آن، مواکب است - در لغت، به گروهی گفته می شود که به صورت پیاده یا سواره، به سویی روان باشند. بر همین اساس، به گروهی از سواران یا پیادگان که در التزام رکاب پادشاه هستند، موکب همایونی گفته می‌شود. در اصطلاح اعراب و به خصوص اهل عراق، به دسته‌های عزاداری، موکب گفته می شود؛ یعنی ملازمان رکاب سیدالشهدا (ع) یا امام زمان (عج). بنابراین، «موکب» در عربی، معادل «هیئت» در زبان فارسی است. به چادرها یا سازه‌هایی که برای پذیرایی از هیئت ها فراهم می‌شود نیز موکب می‌گویند.